

با جشنواره تئاتر فجر

پیش افتادن خارجی‌ها

● **رضا آشفته:** در این روزها گوی سبقت را در بخش بین‌الملل آثار خارجی ربوده‌اند و در میان آثار ایرانی، جنایت و مکافات کار ایمان افشاریان انکار که زبانزد شده باشد، به‌دلیل آنکه برداشت زیبایی از شاهکار داستایفسکی است که به شیوه نیمه‌موزیکال اجرا شده است.

برده‌اول: آنچه دیدیم

در شامگاه دوشنبه پنجم بهمن، دو نمایش دیدهام که هریک به‌نوعی جذاب بوده اند. یکی من-مده نوشسته و کار سالومه یوگیلدزه از گرجستان و دومی هیولا کار لارنت فرانی از فرانسه. من-مده برداشتی آزاد از مدهای اوریپید یونان باستان است. آن نمایش کهن، امروز به شیوه‌ای دیگر که بیابگر زمانه ماست، با دراماتوزری نوین همخوان و هماهنگ شده است؛ البته همچنان پایبندی به آن قصه هست و درواقع آن برپنگ تبدیل به ضدپیرنگی شده و از آن حالت خطی به حالت برهم‌ریخته و نثواکسپرسونیستی درآمده است. سالومه یوگیلدزه می‌خواهد و می‌تواند خوانش دگرگونه‌ای را به‌نمایش بگذارد. او انکایش به روایت‌گری است و برای این منظور مده‌ا را در مرکز ثقل روایت‌ها می‌گذارد و در دو راس دیگر این مثلث پریهاو عروس تازه و یکی از کلفت‌ها را می‌گذارد. همه اینها راوی بخش‌هایی از مدهای اوریپید هستند و البته آن منطق و روای خطی وجود ندارد؛ بلکه هرکدام به‌صورت پراکنده و سیال در این مکان که باید خانه مده‌ا باشد حضور دارند و از این متن می‌گویند. واگوپه‌هایی که دردانگیز است؛ چون نه خیانت زیباست و نه انتقام و ای کاش سوبه‌ای از این ماجراجویی‌ها گذشت بود و شاید این پایان آن جاذبه کلاسیک را نداشته باشد؛ اما طور دیگری نگاه ما را در مواجهه با نیروی شر موجود در انسان رهنمون می‌کرد. یعنی جای خالی این حس وجود دارد که بشود آدم‌ها را طور دیگری مقابل این‌همه ترس و تهدید آگاه کرد.



هیولا نمایشی برای کودکان است و به شیوه عروسکی... البته عروسکی مستقیما حضور ندارد؛ بلکه همه چیز در لحظه بر اساس استفاده از ملحفه، پتو و لحاف ساخته و پرداخته می‌شود. شاید وجه سرگرم‌کنندگی در هیولا چیره باشد؛ اما نمایش برای خود کارکردی آموزشی و تربیتی هم خواهد داشت؛ چون توصیه‌های نمایشی نیز می‌کند. برای اینکه در بازی با عروسک‌ها می‌توان همه ترس‌ها و گریزها و کمبودها را رفع و رجوع کرد. نمایشی که دلش می‌خواهد در نگاه اول خنده‌آور باشد و این‌بار نمایشی را دارد که از پس چنین فضایی برآید. در مرحله بعد هدف‌گرفتن ترس از تاریکی و سایه آشیاست که همه بچه‌ها کم و زیاد درگیرش هستند. فقط کافی است این ذهنیت برای کودک به‌وجود آید و بهترین روش همین تلقین به شیوه بازی با عروسک است که این مفاهیم را ساده می‌کند و می‌شود باور کرد که واقعا این هیولا‌های ساختگی در جوار ما می‌توانند باشند. این بازی است که هم ترس را القا می‌کند و هم ضد آن را که چیره‌شدن بر ترس است.

برده‌دوم: آنچه می بینیم

امروز چهارشنبه هفتم بهمن، محمد رحمانیان و ایوب آقاخانی از کارگردان‌های شناخته‌شده‌ای هستند که یکی با نمایش «دعوت به دو نمایش همراه» و دومی با «تکه‌های سنگین سرب» در جشنواره حضور دارند. در این روز خارجی‌ها حضور ندارند و انکار استراحت خورده‌اند. از میان چهره‌های جوان‌تر هم شهاب‌الدین حسین‌پور با نمایش تپانچه خانم که از متون محمدا میر یاراحمدی است حضور خواهد داشت. این دو، پیش از این، نمایش موفق بیهو‌های غمگین سالار جنگ را اجرا کرده‌اند و این بار هم می‌شود این نمایش را جذاب دانست؛ چون هم زمان مناسبی برای تمرین آن صرف شده است و هم موضوعش زیباست؛ چون اخترا السلطنه می‌خواهد شهرش را رمتمن کند و به‌همین‌دلیل کلکسیون‌ی از تپانچه را گردآوری کرده و پافشاری می‌کند هرچند قوانینی وضع می‌شود که ابتدا حمل و تیراندازی و بعد نگهداری اسلحه ممنوع می‌شود!



احمد طالبی‌زارد

باید بپذیریم که شکل سینما در ایران و به‌تبع آن جشنواره‌های سینمایی در مقایسه با ۱۵،۱۰سال قبل عوض شده. واقعیت این است بدون اینکه خیلی در جریان جزئیاتش باشیم، وارد عرصه‌ای شده‌ایم که بسیاری از ابعاد آن هنوز ناشناخته است. نکته در این است که امروز هرکسی در خانه‌اش می‌تواند یک جشنواره شخصی برگزار کند. همه فیلم‌های روز جهان، به‌وفور و به آسان‌ترین شکل ممکن در اختیار همگان است. کافی است یک دستگاه دی‌وی‌دی‌پلیر یا رسیور ماهواره داشته باشید تا خود را از رفتن به جشنواره و قرارگرفتن در فضای شلوغ و گاهی حتی آزارنده جشنواره رها کنید. کاری که من چند سالی است انجام داده‌ام و ناراضی هم نیستم. در واقع می‌شود گفت هرکس می‌تواند یک جشنواره خصوصی برای خودش ترتیب دهد. البته هیچ آیینی مانند حضور در مجامع سینمایی، برای ما که عاشق سینماییم، یا بهتر است بگوییم عاشق سینما «بودیم»، وجود ندارد. حس مشترک یا همدلی‌ای که در سالن سینما بین صدها نفر ایجاد می‌شود، از آن حس‌هایی است که طبعاً در جشنواره‌های خصوصی و خانگی به وجود نمی‌آید، اما فراموش نکنیم ما در روزگاری به سر می‌بریم که همه آدم‌ها حتی درون یک خانه، در دنیای فردی خود سیر می‌کنند. شما



در یک خانواده متوسط شهری می‌بینید مثلاً پدر و مادر نشسته‌اند سریال ترکی تماشا می‌کنند، بچه‌ها هرکدام در اتاق هایشان مشغول دیدن فیلم‌هایی هستند که به‌صورت زیرزمینی به‌دستشان رسیده و خلاصه اینکه آن همدلی یا هم‌نفسی‌ای که در آیین سینمارفتن و جشنواره‌رفتن ایجاد می‌شود، دیگر در کمتر خانواده‌ای وجود دارد. این از دلایل ظاهری ماجراست، اما دلیل اصلی‌تر اینکه من نوعی با خود فکر می‌کنم چرا باید بروم در جشنواره فیلم بینیم درحالی‌که یکی، دو ماه بعد، با این فیلم‌ها اکران می‌شوند یا نسخه‌های ویدئویی‌شان



گزارشی از مراسم خاکسپاری ابوالحسن نجفی

حالا نجفی بسیار عزیز رفته است

صحبت‌هایش درباره بیماری نجفی در این اواخر نیز گفت: «حدود دو سال پیش یک روز نجفی پیش من آمد و از ضعف جسمانی شکایت کرد. من نگران شدم و بلافاصله از آقای سجادی که عضو فرهنگستان علوم پزشکی است و اتفاقاً همسپهری نجفی هم بود، خواهش کردم که توجه مخصوص به ایشان بکند. در دو‌سال اخیر نجفی زیر نظر استاد سجادی بود و من جویای احوال او بودم تا حدود شش ماه پیش که ناچار شدیم ایشان را در بیمارستان بهمن بستری کنیم. او یک ماه آنجا بستری بود و بعد از ترخیص از بیمارستان ما خوشحال شدیم... اما دیگر

محمد حیدری، دبیر جشنواره فیلم فجر:

هیچ فشاری رویمان نبود

آتان را انتخاب کند، توضیح داد: «چنین فشاری نبوده است. خانم بنی‌اعتماد به دلیل سفری که در پیش داشت، نتوانست همراه ما باشد. آقای عیاری هم داوری جشنواره را پذیرفت و ما هیچ محدودیتی برای انتخاب داوران نداشتیم». این مدیر در پاسخ به پرسشی دیگر درباره اینکه حضور نهادهای پرقدرت و سرمایه‌گذار که بعضی از فیلم‌های جشنواره را حمایت کرده‌اند چقدر می‌تواند در اعطای جوایز تأثیرگذار باشد، تصریح کرد: «اگر فیلمی شایسته جایزه نباشد، حتی اگر از سوی نهادی پرقدرت حمایت شده باشد جایزه نخواهد گرفت. ما همه چیز را در وترین جشنواره فجر می‌بینیم. بنده نیز به‌عنوان دبیر جشنواره جایزه ویژه‌ای به فیلمی نمی‌دهم بلکه تمام جوایز را هیات داوران ارائه خواهند کرد». او درباره نمایش فیلم «بیتیم‌خانه ایران» کار ابوالقاسم طالبی در بخش خارج از مسابقه این دوره از جشنواره نیز توضیح داد: «ایشان از آغاز متقاضی حضور در بخش خارج از مسابقه بود و هیات انتخاب هم این تقاضا را پذیرفت. البته فیلم‌های دیگری هم بودند که متقاضی شرکت در بخش‌های سودای سیمرغ، نگاه اول و...

نمایشگاه بانوی نقاشی که بازیگر شد

نیست؛ هرچند نقاش ترجیح می‌دهد آنها را طبیعت و نیروهای طبیعی بخواند. پانته‌ا سیروس که نقاشی را از کودکی آغاز کرد، در سال ۱۳۶۸ با حضور در کلاس‌های نقاشی آیدین آغداشلو این نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های خود را در گالری ۲۶ برپا می‌کند. عصر جمعه نهم بهمن، آیین افتتاحیه نقاشی‌های تازه پانته‌ا سیروس برگزار خواهد شد؛ آثاری که مانند همیشه در ابعادی بزرگ ممکن است برای مخاطب تداعی‌کننده کجکشان، طبیعت، گرداب و... باشد و یافتن فیکویری در حال شکل‌گیری با انقراض در دل آن دشوار



رقص خاک

برنامه سینمایی پردیس سینمایی فرهنگ پردیس سینمایی کورش پردیس سینمایی چارسو خانه هنرندان موزه سینما پردیس سینمایی‌ویژه (مشهد) تالار سینمایی سوره (اصهان) هنر و تجربه (تهران)



چرا جشنواره فجر دیگر رونق ندارد؟

آسیب‌شناسی یک افول

نشست خبری سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر / عکس: تسنیم

است. فکر می‌کنم دیگر برای بعضی سینماگران هم حضور فیلم‌هایشان در جشنواره چندان جدی نیست. شاید یکی از دلایلیش این باشد که آنها مراسم جایگزین دارند. برای نمونه: رونمایی از فیلم پیش از اکران عمومی که طبعاً تماشاگران نخبه‌تر و آشناتر را دعوت می‌کنند. بعد هم به‌دلیل برخی ممیزی‌ها، سینماگران اصیل و نخبه ترجیح می‌دهند قید جوایز احتمالی جشنواره را بزنند و فیلم را با دردرس کمتری روانه اکران داخلی و خارجی کنند. درعین‌حال برخی از سینماگران ما ترجیح می‌دهند حضور در جشنواره‌های بین‌المللی را جدی بگیرند، زیرا هم جایزesh اعتبار بیشتری دارد، هم امکان به‌دست‌آوردن بازار فروش بهتر و مناسب‌تری نصب فیلمشان می‌شود و هم اینکه خودشان همراه با فیلم، چرخي در چند گوشه جهان می‌زنند. همه عواملی که برشمردم و ده‌ها عامل دیگر، باعث شده دیگر کسی جشنواره‌های داخلی را جدی نگیرد. خلاصه اینکه چون در سیاسی‌ترین مقطع سال این رویداد برگزار می‌شود، به‌طور طبیعی رویکردش هم سیاسی است و همین می‌شود که پس از سی‌وچند دوره برگزاری، این جشنواره به‌مرور، چنان در فضای سیاسی غرق شده که دیگر استقلال لازم را ندارد. و به همین نسبت سینماگران مستقل-که البته تعدادشان کم است- دیگر از آن استقبال نمی‌کنند و مردمی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ برای دیدن فیلم‌های جشنواره صف‌های کیلومتری می‌کشیدند، دیگر تمایلی به حضور در جشنواره و تماشای فیلم‌ها ندارند.

به دست ما رسیده و از جمله کتاب «غلط ننویسیم، از آثار گرانمای روزگار ماست». احمد سمیعی‌گیلانی نیز از چهره‌هایی بود که در این مراسم صحبت کرد و در حرف‌هایش از چهره‌های مختلف ادبی و فرهنگی دهه‌های اخیر نام برد و گفت: «حالا نجفی بسیار عزیز از میان ما رفته است. نجفی دانشوری بود که هرگز از او سخنی نشنیدم که در آن نکته‌ای ناشنیده و نگفته نباشد، نجفی به هیچ کاری دست نزد که در آن غور نکرده باشد. هیچ اثری نیافرید که سرمشق نشده باشد». نصرالله پورجوادی نیز در صحبت‌هایش گفت: «حدود ۱۵، ۱۰ روز پیش بود که از بیمارستان به من تلفن کردند و گفتند که نجفی در بستر است و گفتند که نام من را بر زبان آورده است. من سریع رفتم و خودم را در بیمارستان رساندم. نجفی در آی‌سی‌وی بستری بود، با حالی نزار و ضعیف و دندان در دهانش نبود. جلوی او نشستم و گفتم که چه کسی هستم او به زحمت تلاش کرد و بلند شد و از یکی از اطرافیانش خواست که دندان‌هایش را به او بدهند تا او بتواند حرف بزند. دیدن این منظره نه‌فقط برای من که شاید برای هرکسی که با نجفی آشنا بوده باشد، بسیار تلخ و سخت بود». بهمن فرمان‌آرا نیز درباره نجفی گفت: «یکی از افتخارات زندگی‌ام این بود که با آقای نجفی دوست بودم. اولین دیدار من با نجفی در جلسه‌ای بود که هوشنگ گلشیری هم آنجا بود. لطف نجفی همیشه شامل حال ما می‌شد. ما شباهه او را هرگز ندیده‌ایم و نخواهیم دید». فتح‌الله مجتبیایی نیز در این مراسم دو خدمت مهم نجفی را تأسیس انتشارات نیل و سردبیری مجله سخن دانست. مراسم ختم این استاد پیکانه روز پنجشنبه از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در مسجدالرضا واقع در میدان نیلوفر برگزار خواهد شد.

بودند ولی متأسفانه آثارشان پذیرفته نشد و خودشان هم علاقه‌ای نداشتند که فیلم‌هایشان در بخش خارج از مسابقه نمایش داده شود. به‌هرحال جشنواره فیلم فجر ظرفیت محدودی دارد، اما این به معنای آن نیست که اگر اثری به جشنواره راه پیدا نکرد کار ضعیفی باشد». حیدری در پاسخ به این پرسش که فیلم «دختر» کار رضا میرکریمی در شرایطی به جشنواره راه پیدا کرده که هنوز فیلم‌بررداری آن تمام نشده است، تصریح کرد: «هیات انتخاب بعد از دیدن ۸۵ دقیقه از این فیلم، آن را برای جشنواره فجر انتخاب کردند. البته این فیلم سکانس‌هایی دارد که مربوط به فصل زمستان است و آقای میرکریمی مشغول فیلم‌برداری این سکانس‌ها بوده که البته این بخش‌ها به اکران عمومی فیلم اضافه می‌شوند». حیدری در ادامه این نشست با اشاره به برخی حاشیه‌ها در مورد حضور بازیگران در ستاد برگزاری این دوره از جشنواره فیلم فجر توضیح داد: «این سخنان را شنیده‌ام که می‌گویند امسال بازیگران زیادی با جشنواره همکاری می‌کنند. باید بگویم اگر این بازیگران به شکل درست و در جایگاه خودشان با جشنواره همکاری داشته باشند اتفاق خوبی است. مثلاً آقای مجید مظفری که مدیریت کاخ مردمی را برعهده دارد، بازیگر شناخته‌شده‌ای است و مردم ایشان را می‌شناسند. همچنان که خانم کتایون راحی که بنیاد خیریه‌ای را تأسیس کرده نیز برنامه‌های ویژه‌ای را در همین کاخ مردمی برپا خواهد کرد و اینها همه اتفاقات خوبی است».

چهره روز

علی‌اصغر معصومی در کانادا درگذشت

وداع با نقاش مهاجر



● **شرق:** علی‌اصغر معصومی، نقاش و گرافیستی که سال‌ها پیش از ایران مهاجرت کرد و در مونترال کانادا ساکن شد، به‌تازگی درگذشت. علی‌اصغر

معصومی، هنرمند پیش‌کسوت نقاش و طراح گرافیک ایران، شنبه‌شب سوم بهمن ۱۳۹۴، پس از یک دوره طولانی بیماری در مونترال درگذشت. او متولد سال ۱۳۱۲ در کنارکو کرمانشاه بود که در نوجوانی به تهران مهاجرت کرد و در سال ۱۳۳۴ از هنرستان نقاشی کمال‌الملک فارغ‌التحصیل شد و سپس در هنرهای تزئینی ایرانی ادامه تحصیل داد. این هنرمند که در بیمارستانی در مونترال در ۸۲سالگی فوت شد، از دو سال پیش به سرطان خون مبتلا بود، بااین‌حال، وضع جسمی او تا پیش از مرگش خوب بود. اما به گفته خانواده‌اش حال او، شنبه‌شب رو به وخامت می‌گذارد و دو، سه ساعت پس از انتقال به بیمارستان فوت می‌کند. او پیش‌تر در گفت‌وگویی از علاقه‌اش به هنرهای تجسمی و منشأ این علاقه در شهری که به دنیا آمده بود، تعریف کرده بود. معصومی همچنین دستی هم در فیلم‌سازی داشت و شش فیلم انیمیشن برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شرکت ملی گاز، شرکت خوراک، کفش ملی و سون‌آپ ساخت. علی‌اصغر معصومی در سال ۱۳۶۲ ایران را به قصد اسپانیا ترک کرد. پنج سال در اسپانیا اقامت داشت، نقاشی را ادامه داد و از طریق فروش آنها روزگار گذراند و سومین نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های خود را در آنجا برگزار کرد (۱۳۶۷). سپس به کانادا مهاجرت کرد و به تابعیت آنجا درآمد. چند سال پیش در سفر به ایران، نمایشگاهی از آثار تازه‌اش در گالری‌های سیحون و دی برپا کرد. در سال‌های گذشته برگزاری نمایشگاه‌های او روای منظم‌تری پیدا کرد و در کشورهای کانادا، آمریکا و فرانسه به ارائه آثار خود پرداخت.

پیشنهاد روز

هنگامه قاضیانی کتابش را امضا می‌کند



● **شرق:** جشن امضای کتاب «سرزمین مرد سرخپوست، قانون مرد سفیدپوست» نوشته ویلکموب واشیرن با ترجمه

هنگامه قاضیانی با حضور این بازیگر برگزار می‌شود. ناشر در معرفی این کتاب نوشته است: «در این کتاب، نویسنده سعی دارد ضمن معرفی فرهنگ غنی و هویت سرخ‌پوستان، روابط قانونی حاکم بر سرخ‌پوستان و سفیدپوستان را که منشعب از قوانین دول اروپایی است، بررسی کند. همچنین گفتنی است که هنگامه قاضیانی بازیگری است که پیش از این دو بار برای بازی در فیلم‌ها «به همین سادگی» و «روزهای زندگی» سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول زن را در جشنواره فجر از آن خود کرده است. این مراسم پنجشنبه هفتم بهمن از ساعت ۲۰ تا در فروشگاه نشر ثالث واقع در خیابان کریم‌خان زند، بین ایران‌شهر و ماهشهر، شماره ۱۴۸ برگزار می‌شود.

یادبود عوامل «فروشنده» برای یدالله نجفی

● **شرق:** گروه فیلم سینمایی «فروشنده»، هشتم بهمن مراسم یادبودی برای زنده‌یاد یدالله نجفی برگزار می‌کند. این مراسم یادبود، برای ادای احترام این گروه به صابردار فقید سینمای ایران است که مشغول کار در کار پروژه بود. مراسم یادبود زنده‌یاد یدالله نجفی روز پنجشنبه، هشتم بهمن از ساعت ۱۷ الی ۱۸:۳۰ در مجموعه فرهنگی پیامبر اعظم(ص) برگزار می‌شود. گروه فیلم سینمایی «فروشنده» از تمام اهالی و دوستان ار سینمای ایران برای حضور در این مراسم یادبود، دعوت می‌کند. مجموعه فرهنگی پیامبر اعظم(ص) در خیابان شرعیت، بالاتر از چهارراه قدوسی(قصر)، روبه‌روی پارک اندیشه، مجموعه فرهنگی پیامبر اعظم، در شماره ۱۱ مخابرات واقع شده است.

رونمایی از «خانه عروسک» با حضور نغمه ثمنینی

● **شرق:** مراسم رونمایی از کتاب نمایش‌نامه‌های «خانه عروسک و اشباح» با اجرای روخوانی نمایش‌نامه «خانه عروسک»، امروز چهارشنبه هفتم بهمن ساعت ۱۷:۳۰ در محل فروشگاه انتشارات علمی- فرهنگی در خیابان کریم‌خان برگزار می‌شود. در این مراسم دکتر نغمه ثمنینی سخنران ویژه خواهد بود و درباره ویژگی‌های این اثر هنریک ایبسن سخن خواهد گفت. کارگردانی این نمایش‌نامه‌خوانی را شقایق عرفی‌نژاد برعهده دارد و بازیگران سمیرا ذکایی و مرتضی مظلومی هستند.